

به مناسبت آغاز سال ۲۰۰۳!

بهرام رحمانی

bsmdadpress@swipnet.se

ای کاش این امیدواری و چشم انداز در آستانه سال ۲۰۰۳، وجود می داشت تا می توانستیم پایان سال ۲۰۰۲ را همراه با جشن و سرور همگانی و رقص و پایکوبی و شادمانی به جهانیان بشارت دهیم اما، با هزار افسوس باید گفت چنین نیست. حتا سفر کردن و گذراندن تعطیلات در جزایر توریستی نیز پرخطر است.

جهان ما، جهان ناامنی است. اکثریت مردم جهان، با فقر و فلاکت دست به گریبانند. تمامی عرصه های علمی، صنعتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و به طور کلی بخش اعظم ثروت و دانش بشری در چنگال خونین اقلیتی استثمارگر، ستم گر، ارتجاعی، فاشیست و جنگ طلب متمرکز شده است و اکثریت کسانی که چرخ ماشین زندگی بشری را می چرخانند از آن محروم اند.

در چنین وضعیتی به احتمال قوی بشریت در ماه های اول سال ۲۰۰۳، شاهد جنگ و کشتار و خونریزی دیگری در خاورمیانه و به ویژه در عراق خواهند بود و این جنگ فرصتی برای به کارگیری و آزمایش مخوف ترین جنگ افزارهای کشتار جمعی، توسط ایالات متحده آمریکا و بریتانیا و متحدان آن ها خواهد بود.

قدرت هایی که برای تامین منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی شان و تقسیم جهان، دو بار بشریت را وارد جنگ های مهلکی کرده اند و باعث مرگ بیش از ۵۰ میلیون انسان شده اند. پس از دهه هشتاد و به دنبال فروپاشی شوروی، ایالات متحده آمریکا، عنان گسیخته بار دیگر برای اعمال ابرقدرتی خود بر جهان، جنگ های متعددی نظیر حمله به یوگسلاوی، افغانستان، و اکنون نیز عراق، راه انداخته است و در فردا نیز نمی دانیم به کدام کشور یورش خواهد برد؟

اما علی رغم همه این مصائب و وحشی گری های سیستم سرمایه داری، صدای آزادی و فریاد مردم محروم و ستم دیده و رنج کشیده در گوشه و کنار جهان به گوش می رسد.

بشر، همواره با آرزوهای زیبایش زنده است و در هر شرایط و با تحمل سختی های فراوان برای تغییر و تحول و زندگی بهتر مبارزه و تلاش می کند. پس با امید این که سال ۲۰۰۳، سالی پر بار برای کارگران، کمونیست ها، تمامی مردم محروم و ستم دیده و آزادی خواه باشد؛ سالی که رژیم

جمهوری اسلامی، با یک جنبش توده‌ای قدرت‌مند، هدف‌مند با ایده‌های انسانی سرنگون شود و آزادی، برابری، شادی، سعادت و رفاه در جامعه ایران شکوفا گردد، به استقبال سال نو می‌رویم.

سوئد، ۲۸ دسامبر ۲۰۰۲

همان‌طور که زنده یاد احمد شاملو، این شاعر آزادی‌خواه و متعهد در شعر «افق روشن» گفته است:

روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد
و مهربانی دست زیبائی را خواهد گرفت.



روزی که کم‌ترین سرود

بوسه است

و هر انسان

برای هر انسان

برادری‌ست.

روزی که دیگر درهای خانه‌شان را نمی‌بندند

قفل

افسانه نیست

و قلب

برای زندگی بس است.

روزی که به معنای هر سخن دوست داشتن است
تا تو به خاطر آخرین حرف دنبال سخن نگردی.

روزی که آهنگ هر حرف، زندگی است
تا من به خاطر آخرین شعر رنج جست و جوی قافیه نبرم.

روزی که هر لب ترانه ئیست
تا کم ترین سرود، بوسه باشد.

روزی که تو بیائی، برای همیشه بیائی
و مهربانی با زیبائی یک سان شود.

روزی که ما دوباره برای کبوترهایمان دانه بریزیم...



و من آن روز را انتظار می کشم
حتی روزی
که دیگر
نباشم.